

مباحثی تفسیری در رابطه با آیه نورانی ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ [۱] به محضر تان عرض شد این مباحث به این علت طرح شد که ما دیدمان را، معرفت امامت را مقداری دقیق تر بکنیم. ظرافت و لطافت ان بیشتر باشد و واقعیتی که با حقیقت تطابق دارد با آن بیشتر هماهنگ شود. چون در مورد امام همانطور که مستحضرید این نکته ظریف هست که ایشان غایب نشده اند چون ایشان مظهر تام اسما حسناى الهی است و غیبت در معنای عرف که در مورد امام متداول است و با تعریفی که در مورد امام متداول است، برای امام امری محال است، پس ما غائبیم. در اثر گناهان نمی توانیم این حقیقت را که مظهر تام اسما حسناى الهی است و در همه جا هست و از ما به ما نزدیک تر است را نمی توانیم درک کنیم و از محضرش استفاده نماییم. ظهور امام به این معناست که امام که همیشه است. این حاکمیتش که همیشه است، ظاهر می شود نه اینکه بیاید حاکم شود، نمی آید حاکم شود نه حاکم است حاکم بودنشان آشکار می شود. ظهور به این معناست. به همین خاطر می گویند ظهور امام (ع) شبیه به قیامت است. چون قیامت ظهور حقیقت است، حقیقت آنچه که الان هست نه اینکه در قیامت ایجاد شود و تازگی داشته باشد. باطن در و دیوار، چهره ملکی و ملکوتی تمامی مصایق عالم که الان موجودند، آشکار می شود. آنها که نمی بینند می بینند والا آنها که می بینند برایشان تازگی ندارد. علی (ع) می فرماید: ﴿وَكُشِفَ الْغَطَاءَ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا﴾ [۲] اگر پرده ها کنار برود، نه اینکه ایشان پرده داشته باشد نه، آن پرده ای که نمی گذارد شما ببیند آن پرده در جلو چشم دل من نیست و اگر پرده از جلو چشم شما کنار رود و شما ببینید، من یقینم اضافه نمی شود. چون برای دیدن من مانعی نیست، به همین خاطر اولیاء الهی همیشه در قیامت هستند نه اینکه اینها به قیامت می رسند اینها الان در قیامتند. به همین خاطر حضرت در نهج البلاغه مردم را به دو قسم تقسیم می کنند یک تعداد بنا بر دنیا گذاشتند و تعدادی بنا بر آخرت هستند [۳]. نه اینکه اینها برای قیامت عمل کنند و یا به قیامت می رسند، نه الان اینها درک می کنند چهره ی باطنی دینا را که همان قیامت است یا توجه به چهره ملکوتی عالم دارد. چهره ملکی نیز متنوع به چهره ملکوتی است و ما نیز تا چهره ملکوتی را نبینیم چهره ملکی را نخواهیم دید [۴]. اینکه می گوییم بوش یا صدام حاکم هستند علت آن است که ما حاکمیت امام را نمی بینیم. اگر ببینیم امام حاکم است اصلاً حاکمیت اینها حاکمیت نیست. حاکمیت اینها در حد خاله بازی است. اینها را سر کار گذاشته اند و این امکان ندارد که خدا عالم را خلق کند و بسپارد به یک تعداد افراد فاسق و ظالم، محال است. خداوند از اول خلقت تا حال، هیچوقت به فرعون ها و نمرود ها و قارون ها کاری را نسپرده است چون محال است. معجزه هم علامتش این است و یکی از پیام هایش نیز این است که بگوید ای مردم ببینید چه کسی حاکم است، در عالم فرعون حاکم است یا من موسی. اگر پیامبران معجزه نشان داده اند یکی از پیام هایش این است که حاکم حقیقی را پیدا کنید و بشناسید و به دنبال او باشید. ببیند با کسانی که خاله بازی می کنند می خواهید نشست و برخاست کنید یا نه با حاکمان حقیقی. خاله بازی امری خیالی است، پدر و مادر خیالی است و از خیالی ازدواج می کنی یا حقیقی. در خاله بازی خیالی است ولی حقیقی از دواج بکنی، پدر و مادر حقیقی است. امامان حقیقت را عرضه کرده اند به عالم. می خواهید ابناى دنیا باشید راه باز است. ﴿أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ﴾ [۵] اگر خاله بازی می خواهید بفرمایید!! ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ﴾ [۶] هر کس بخواهد بازی کند و خیالی زندگی کند خداوند برایش فراهم می کند و امکانات هم در اختیارشان قرار می دهیم. اسباب بازی هایش متنوع و گل بازی هواپیما ساختن، خانه سازی و دیگر کارها. شما اگر فرزندان بخواهد بازی کند اسباب بازی هایش را برایش آماده می کنی و الا اذیت می کنی! اما امام زمان (ع) را نمی خواهیم که بیایند و یک خاله بازی دیگری راه بیندازند، اصلاً از شان امام بدور است. ما نمی خواهیم ظهور کنند و حکومتی مانند حکومت های فعلی ظالمان به راه بیندازد. ما خواستمان از آمدن حضرت فقط به این معناست که آن روز را می دیدیم که حاکمیتمان که همیشه هست و آن حاکمیت حقیقی است.

[۱]. سوره قصص آیه ۵ [۲]. کتاب غرر الحکم ۱۰۸/۵ [۳]. کتاب نهج البلاغه خطبه شماره ۳۲

[۴]. هدایت به امر: انسان و اعمالش دو چهره دارد: ۱- چهره ملکی (صورتی که در عالم ملک یا ماده یا خلق دارد) ۲- چهره ملکوتی (صورتی که در عالم ملکوت، یا امر دارد) «الا له الخلق والامر» امام با سطره ای که بر عالم ملکوت (عالم امر) دارد، دلها و قلوب را به سوی غایات هدایت می کند، این هدایت، هدایت به امر نامیده می شود «وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا» برای مطالعه بیشتر رک: جبر و اختیار، بحث های استاد جعفر سبحانی

[۱]. سوره حدید آیه ۲۰ [۶]. سوره اسراء آیه ۱۸

بر همگان ظاهر شود و ما لذت می بریم. معلوم می شد که صاحب این عالم کیست! بچه ها می گویند که دیگرانند چون بچه اند. مردم به بلوغ می رسیدند و می دیدند که حاکم اصلی در عالم چه کسی است؟ اما متاسفانه بچه اند و فکر می کنند پدرشان، بزرگشان فلان کس است. قرآن آنها را که اهل سیر و سلوک نیستند و از نظر معنوی به حد نصاب نرسیده اند را بچه می داند. می فرماید: ﴿ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾ [۱] یعنی به سن بلوغ نرسیده اند. ﴿فَأَعْرَضُ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾ [۲]. کسی به امور اعتباری و قراردادی مشغول است و هم و غمش فقط آن است، من اگر نماینده مجلس می شدم... من اگر مدیر کل می شدم. کسی که شب و روز در فکر اینهاست قرآن می فرماید او بچه است. بچه درک نخواهد کرد که در عالم چه کسی حاکم است. بند و بساط خاله بازی روز برچیده می شود. خداوند عالم را برای این خلق نکرده است برای تربیت انسان خلق کرده است. اگر بخواهند در حد خاله بازی بمانند که به دبیرستان و دانشگاه نروند رفت و باید بعد از یک حدی این بساط را جمع کنند از جلوی بچه ها تا رشد کنند. کارتون بس است دیگر به درس برس. امام آن حاکمیتش اگر معلوم شد بساط اینها را به خاطر جمع می کنند. بس است دیگر زیاد بازی کردید! از حدتان گذشت بیایید به درستان برسید. مباحث زیادی هست و ماند ﴿وَنَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ [۱]. برادران عزیز خلاصه مطلب این شد که باید به دنبال حاکمیت حقیقی امام باشیم، حاکمیت حقیقی امام به درد ما می خورد و راه باز است. لازم نیست که این خاله بازی ها جمع شوند تا ما استفاده کنیم، هر کس بخواهد می تواند خودش برود و راه باز است، به نماز شب احتیاج دارد. به اشک سحرگاه نیازمند است، به رعایت حلال و حرام احتیاج دارد که حاکمیت حقیقی امام را درک کند نه اینکه بگویی تا وقت پیری می شود دید یا نه؟ نه چند روزی از خودت مراقبه کن. می گوید برای دیدار آقا به مسجد سهله رفتم همه اعمال را انجام دادم و ایشان را ندیدم، یک روز دیدم عمه ای دارم مدت ها ندیده ام او را، رفتم گفتند رفته است آب انبار، رفتم به او کمک کردم و آمدم خانه شان مقداری پول دادم و دلش را بدست آوردم و دعایم کرد. بعد از بیرون آمدن از خانه دیدم حضرت سر کوچک هستند. فرمودند از اینکارها بکنید ما را می بینید.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته

[۱]. سوره نجم آیه ۳۰

[۲]. سوره نجم آیه ۲۹ و آیه ۳۰

[۳]. سوره قصص آیه ۵